

## بازتاب داده‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (راس الجالوت) بیان همدلانه ذهنیت‌های شیعی - یهودی در جوامع اسلامی

نگار ذیلابی\*

### چکیده

گزارش‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (راس الجالوت)، بیش از وجه صدق و کذب آن، نشان از زاویه دید جوامع مسلمان و ذهنیت‌های آن‌ها درباره اقلیت‌های یهودی بوده است که از منظر تاریخ فرهنگی و اجتماعی به عنوان مسئله مقاله حاضر انتخاب شده است. در این مقاله با بررسی انتقادی و بازنمایی داده‌های منابع اسلامی درباره راس الجالوت تلاش شده است بر اساس روش بافتارمندسازی مجموع داده‌ها، ذهنیت مسلمانان نسبت به این مقام یهودی نشان داده شود. خواننده خواهد دید که مسلمانان، مقام راس الجالوت را مقامی علمی مذهبی و عالی رتبه و در عین حال رازآمیز و مرتبط با قدرت‌های غیرمعمول مثل قدرت پیش‌گویی تلقی می‌کردند. تکرار روایاتی درباره پیش‌بینی شهادت حسین بن علی از سوی راس الجالوت و ملامت مسلمانان در باب کشتن فرزند پیغمبرشان و یا گزارش مناظرات علمی امامان شیعه با مقام راس الجالوت علاوه بر نشان دادن جایگاه مهم علمی آن، تا حدی نشان‌دهنده فضایی همدلانه میان جوامع متقدم شیعی با جامعه یهودی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** یهودیان، راس الجالوت، یهودیان و شیعیان، تشکیلات اداری اهل ذمه، منابع اسلامی.

## ۱. مقدمه

سازمان ریاست یهودیان ساکن در سرزمین‌های شرق اسلامی موسوم به راس‌الجالوت از کهن‌ترین نهادهای سیاسی، دینی و اجتماعی ریشه‌دار در تشکیلات سیاسی و اداری این مناطق است. رئیس جامعه یهودیان ساکن در سرزمین‌های شرق اسلامی با عنوان راس‌الجالوت شناخته می‌شد. این عنوان ترکیبی است از واژه عربی رأس به معنی سر و واژه جالوت به معنی تبعیدشدگان (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۲؛ *The Jewish Encyclopedia*: 1901-1906، ذیل ۲۸۸/۵، ذیل "Exilarch"؛ *Encyclopedia of Jews in the Islamic World*، ۲۰۱۰: ۲/ ۱۸۱، ذیل "Exilarch and Exilarchate"). بر اساس اعتقادی رایج میان یهودیان و نیز مسلمانان راس‌الجالوت را از خاندان داوود و گروهی از خاندان اسحاق می‌دانستند (*The Jewish Encyclopedia*: 1901-1906، همانجا؛ نیز مسعودی ۹۸؛ قس: ابن حزم، ۱۹۷۵: ۸ که این اعتقاد را که راس‌الجالوت از خاندان اسحاق است، رد کرده است). گفته شده که مسلمانان راس‌الجالوت را با لقب "سیدنا ابن داوود" خطاب می‌کردند (دوری، ۲۰۰۷: ۳/ ۱۱۴).

بر اساس اشاراتی در عهد عتیق (کتاب دوم پادشاهان، ۲۵: ۲۷-۳۰؛ ارمیا، ۵۲: ۳۱-۳۴)، گفته شده است تشکیل نهاد رُش‌گالوتا مربوط به واپسین سال‌های تبعید یهودیان به بابل در سده ششم قبل از میلاد بوده، با این حال ظاهراً این قول که تأسیس این نهاد به دوره اشکانیان در اواخر سده دوم میلادی باز می‌گردد از مقبولیت بیشتری برخوردار است (*The Jewish Encyclopedia*: 1901-1906، همانجا).

هم‌زمان با ظهور اسلام مرکز تجمع یهودیان هم‌چنان در بین‌النهرین بود و ریاست آنها را بوستانی‌بن حنینای برعهده داشت (لوی، ۱۳۳۹: ۲/ ۲۹۵) در میان یهودیان مشهور بوده است که در جریان فتوحات، عمر بن خطاب (یا علی علیه‌السلام) بوستانی‌ای را در مقام خود تثبیت کرد و یکی از دختران یزدگرد پادشاه ایران را که به اسارت درآمده بود به ازدواج او درآورد (برای اقوال مختلف در این باره و نقد آنها نک: لوی، ۱۳۳۹: ۲/ ۳۲۵-۳۲۶؛ *Judaica*: 1971، ۲۸۸/۶؛ *Encyclopedia of Jews in the Islamic World*: Exilarch, During the Arab period، ۲۰۱۰: ۲/ ۱۸۱-۱۸۲؛ برای اطلاع بیشتر درباره تشکیلات راس‌الجالوت در دوره اسلامی نک: ذیلابی، ۱۳۹۳: ۳-۱۵) بر اساس منابع یهودی، مقام رأس‌الجالوت ظاهراً تا عصر منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) در خانواده بوستانی‌ای موروثی بوده است (لوی، ۱۳۳۹: ۲/ ۳۳۱، ۳۴۴).

عمده اطلاعات مربوط به راس‌الجالوت در منابع عبری و غیر اسلامی آمده و داده‌های منابع اسلامی در این باره معمولاً نادیده گرفته شده است. شاید بازتاب راس‌الجالوت در منابع اسلامی و چگونگی بازنمایی این نهاد یهودی در ارتباط با تاریخ‌نگاری یهودی کم‌اهمیت به نظر برسد و در راستی آزمایی منابع مکمل هم چندان سودمند نباشد؛ اما از منظر تاریخ فرهنگی و از زاویه دید مسلمانان اهمیت دارد و می‌تواند برملاکننده بسیاری از نقاط مبهم فرهنگی در این باره باشد.

از میان رویکردهای متنوعی که در پژوهش‌های مربوط به اقلیت‌های دینی ساکن در سرزمین‌های اسلامی رایج است، مقاله حاضر با روش تحلیلی و رویکرد متن‌محور، از منظر هم‌سازی متقابل و تعامل اجتماعی جوامع اقلیت ذمی با گروه‌های مسلمان قلمرو اسلامی، به مساله پژوهش نزدیک شده است. رویکردی که با شاخصه‌های اصلی متن‌محور بودن و تاکید بر ظرفیت‌های همسازشونده اقلیت‌ها در جوامع مادر و نیز بیان ساز و کار و چگونگی همسویی چند گروه اقلیت در یک جامعه، وجه امتیاز این پژوهش به حساب می‌آید و از این منظر، دست‌کم در میان پژوهش‌هایی که به زبان فارسی درباره زمین ساکن قلمرو اسلامی نگاشته شده، اثری بدیع به شمار می‌رود. در این رویکرد بر جنبه‌های همدلانه این گروه‌ها تاکید می‌شود؛ رویکردی که جامعه را واحدی همساز تلقی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در این واحد فرهنگی همسویش از آنکه اختلافات باورها و عقاید دینی بروز یابد، این تفاوت‌ها در کلیت فرهنگی جامعه هضم می‌شود و گروه‌های مختلف تحت عوامل موثرتری مثل غلبه فرهنگ بومی و جغرافیای زیسته گرد هم یک واحد اجتماعی را شکل می‌دهند. از سوی دیگر با تاکید بر متون و روایات طیف متنوعی از منابع اسلامی، تصویری که از یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مقام‌های یهودی (راس‌الجالوت) در این منابع ترسیم شده، ارائه و تحلیل می‌گردد. این تصویر و ذهنیت مولفان مسلمان، فارغ از اقتضای صدق و کذب و فارغ از این پرسش که آیا خبر از حاق واقع دارد یا خیر، خود گویای نحوه تفکر و ذهنیت جامعه اسلامی از این اقلیت و مباحث وابسته بدان است. هم‌چنین در یک طیف از این سلسله روایات، اقلیت یهودی در کنار اقلیت شیعی خود جامعه هم‌بسته همساز دیگری را شکل می‌دهند که دست‌کم بر اساس اشتراک در اقلیت بودن، یان همدلانه‌ای از این دو گروه در این دسته از روایات منابع اسلامی بازتاب یافته است.

## ۲. تصویر راس الجالوت در منابع اسلامی

از مجموعه روایاتی که درباره راس الجالوت در منابع اسلامی آمده سه دسته عمده قابل تفکیک است: ۱- دسته‌ای از روایات که بر مقام علمی مذهبی و عالی رتبه راس الجالوت تاکید دارند ۲- دسته‌ای از روایات که در عین ذکر مقام شامخ وی بر قدرت‌های غیرمعمول، رازآمیز و خارق‌العاده راس الجالوت تاکید دارند. ۳- دسته‌ای از روایات که زبان و فضایی همدلانه میان راس الجالوت و جوامع و شخصیت‌های شیعی را به تصویر می‌کشند.

در این پژوهش روایات منابع اسلامی در این سه گروه، دسته‌بندی می‌شود و در مجموع دو موضوع اصلی، یکی کلیت ذهنیت مسلمانان و چگونگی تلقی آنها درباره این مقام یهودی و دیگر فضای همدلانه‌ای که میان این مقام یهودی و شخصیت‌های شیعی در منابع اسلامی بازتاب یافته مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. درباره این فقره اخیر این پرسش مطرح است که چنین زبان و ذهنیت همدلانه‌ای در چه زمینه فکری و فرهنگی و به چه شکلی میان این دو گروه وجود داشته؛ هم‌چنین این فرض را می‌توان مطرح کرد که احتمال است مورخان و نویسندگان مسلمان به سبب جایگاه والای علمی و دینی راس الجالوت که در میان توده مردم شهرت داشته، از اعتبار علمی و دینی این مقام یهودی برای تاکید بر حقانیت خود بهره‌برداری کرده باشند.

### ۱.۲ روایات درباره مقام والای علمی و دینی راس الجالوت

عمده روایات حاکی از باور عمومی درباره مقام علمی و جایگاه والای دینی راس الجالوت در میان یهودیان و نیز مسلمانان بود. در برخی از منابع (مسعودی، ۹۸، ۱۰۵) از جلسات علمی با حضور راس الجالوت و مناظره علمای مسلمان و یهودی با وی سخن گفته شده است. مسعودی (۹۸) از اختلاف نظر میان راس الجالوت و یکی از علمای بزرگ یهود خبر داده و نوشته است که خلیفه مقتدر عباسی مجلسی از بزرگان و علماء را شکل داد تا میان ایشان حکمیت شود. تاکید بر شخصیت علمی و جایگاه والای اجتماعی راس الجالوت در عمده منابع دیده می‌شود. بنیامین تطیلی/تودلایی در سفرنامه خود (۲۰۰۲: ۲۴) اشاره کرده است که به هنگام عبور راس الجالوت از معابر همه مردم اعم از یهود و مسلمان بایستی قیام می‌کردند و آداب احترام را به جا می‌آوردند و عقوبت کسانی که بی‌احترامی روا می‌داشتند صد ضربه تازیانه بود (دوری، ۲۰۰۷: ۱۱۴/۳). ذکر مجازات بی‌احترامی نشان می‌دهد که در

میان گروه های از مسلمانان همواره بدبینی هایی درباره این مقام وجود داشته است. چنانکه ابن فوطی (۱۹۹۷: ۲۷۰) هم درباره روز انتخاب دانیال بن شموئیل به این مقام در سال ۶۴۶ نقل کرده است که گروهی از عامه در راه متعرض وی شدند و به او سنگ انداختند اما مأموران آنها را بازداشتند و گروهی را هم گرفتند و به زندان انداختند.

بر اساس آنچه از منابع اسلامی (برای مثال نک: مقریزی، ۲۰۰۲: ۴(۲) / ۹۴۴) فهمیده می شود، دانش راس الجالوت تنها در علوم دینی خلاصه نمی شد. برای مثال گفته شده است که عانان بن داود راس الجالوت سده دوم و موسس فرقه عنانیه، تقویم یهودی را اصلاح کرد و مبنای آن را بر اساس رویت هلال اسلامی قرارداد و نیز با احتساب کیسه تقویم را به گونه ای تغییر داد تا مشکلات مربوط به تناسب زمان کشت و زرع محصولات و زمان بندی اخذ مالیات های کشاورزی مرتفع گردد. دانش راس الجالوت از اجتماع یهودیان و چگونگی تعامل آنها با مسلمانان نیز در حدی بود که می توانست به عنوان مقام رابط بین جامعه یهودی و دربار اسلامی، ایفای نقش کند و مرجع اصلی مشکلات پدید آمده در این تعامل اجتماعی به حساب می آمد (ذیلابی، ۱۳۹۳: همانجا).

## ۲.۲ روایات درباره قدرت های خارق العاده راس الجالوت

روایات دسته دوم عمدتاً افسانه گون و غیر واقعی می نماید و از لحاظ ارزش خبری اهمیت چندانی ندارد اما از لحاظ تاریخ اجتماعی و شکل دهی تضمینی اجتماعی و اثرگذار بر روابط متقابل جوامع مسلمان و یهودی و نیز تاریخ فرهنگی و بازتاب ذهنیت های مسلمانان و مورخان مسلمان درباره این مقام یهودی حائز اهمیت بسیار است.

طبری در تاریخ (۷ / ۵۳۴، ذیل حوادث ۱۴۴) و ابن جوزی در المنتظم (۱۹۹۲: ۸ / ۴۷) نقل کرده است که منصور عباسی آینه جهان نمایی داشت که همه جهان و حوادث مهم را در آن می دید و این آینه از آدم ابوالبشر به سلیمان بن داوود رسیده و سپس به دست شیاطین افتاده اما بخشی از آن به راس الجالوت رسیده و بعد از آن میان راس الجالوت ها دست به دست می شده است. راس الجالوت معاصر مروان بن محمد اموی حوادث ناخوشایندی در آن دید و برای خلیفه بازگفت و سرش را بر سر آن از دست داد و به دستور خلیفه کشته شد. اما بعد که منصور به خلافت رسید این آینه را تصاحب کرد. به تعبیر ابن جوزی منصور شورشیان فراری را از روی اطلاعات این آینه تعقیب می کرد و می توانست دوست و دشمن را در آن آینه تشخیص دهد. به نظر می رسد، علاوه بر

بهره‌برداری سیاسی که در تبلیغات سوء علیه امویان و نیز برای کنترل اوضاع سیاسی قلمرو و شورشیان از انتشار این دست روایات و جعلیات، حاصل دربار عباسی می‌شد، این روایت حاکی از آن است که مقام راس الجالوت صرفاً به عنوان ریاستی تشکیلاتی و اداری تلقی نمی‌شده و در نگاه مسلمانان این مقام در تداوم جایگاه پیامبران بنی‌اسرائیل فهمیده می‌شده، چنان‌که انبوه احادیث نبوی درباره جایگاه احترام‌آمیز موسی و هارون ناظر بر همین منزلت اجتماعی بود و بر این اساس تنها مرجعی که می‌توانست این باور را برای عوام قابل قبول سازد، دخالت دادن راس الجالوت در سلسله وارثان این آینه جادویی بود.

ابن فقیه (د. حدود ۳۳۰) در البلدان (۱۹۹۶: ۳۷۸-۳۷۹) و قزوینی (د. ۶۸۲) در آثارالبلاد (۱۹۹۸: ۳۰۴-۳۰۵) ذیل عجائب‌الامصار درباره شگفتی‌های بابل از اعتقاد مردم درباره اطلاع راس الجالوت از مکان تجلی هاروت و ماروت سخن گفته و در روایتی مفصل جزئیات ملاقات هاروت و ماروت به راهنمایی راس الجالوت را تشریح کرده‌اند. به نوشته ایشان مجاهد از محدثان و ماجراجویان مسلمان مشتاق بود هاروت و ماروت را رویت کند، برای همین به سراغ راس الجالوت رفت و آن دو به اتفاق به مکان عذاب آنها رفتند... هاروت و ماروت چون دو کوه عظیم با زنجیری از آهن از پا آویزان بودند، راس الجالوت از قبل تاکید کرده بود که در نزدیکی آنها ذکر خدا جاری نشود اما مجاهد از هیبت و عظمت آنها نام خدا را بر زبان آورد؛ آنها با شنیدن نام خدا دچار تکانه‌های شدید شدند و مدت‌ها طول کشید تا آرام شوند.

این روایات جملگی بیش از آنکه حاکی از رخدادی تاریخی باشند، نشان‌دهنده ذهنیت مسلمانان و یا دست‌کم نحوه تلقی مورخان مسلمان از توانایی‌های خارق‌العاده راس الجالوت است. گروه‌های مختلف یهودی و بویژه روسای دینی آنها در میان مسلمانان وارث سنت‌های جادویی و خارق‌العاده شناخته می‌شدند و عامه مردم در تحلیل و تفسیر بسیاری از امور غیر منطقی یا خرافی ردپایی از یهودیان ترسیم می‌کردند و علمای یهودی از جمله راس الجالوت از خبرگان این دست امور شناخته می‌شدند.

### ۳.۲ روایات درباره فضای همدلانه میان راس الجالوت و شخصیت‌های شیعی

بر اساس دسته‌ای دیگر از روایات چنین برمی‌آید که زبان و فضای همدلانه‌ای میان ریاست جوامع یهودیان یعنی مقام راس الجالوت و جوامع شیعی و شخصیت‌های بزرگ شیعه وجود داشته است. ذکر برخی از این روایات در منابع اهل سنت و بررسی آنها در بازنمایی این

مبحث اهمیت دارد: برقی (د. ۲۷۴ یا ۲۸۰) در *المحاسن* (۱۳۷۱: ۲۴۰/۱) که از قدیم‌ترین منابع حدیثی شیعه محسوب می‌شود، به تفصیل مناظره علمی میان علی بن ابی طالب علیه‌السلام و راس‌الجالوت معاصر وی را درباره وجود خدا و توحید وصف کرده است. ظاهراً جملات درخشان و مشهور علی علیه‌السلام درباره توحید<sup>۱</sup>، در همین مناظره مطرح شده و منابع سده چهارم از جمله عیاشی (د. ۳۲۰) در تفسیر ۱۳۸۰: ۱/ ۳۳۰-۳۳۱: ۳۲/۲ و کلینی (د. ۳۲۹) در *الکافی* (۱۴۰۷: ۱/ ۸۹-۹۰، ۲۲۴-۲۲۶) و ابن بابویه (شیخ صدوق، د. ۳۸۱) در توحید (۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۷۶) و ... همین مطلب را تکرار و تأیید کرده‌اند. در پایان راس‌الجالوت به علم وسیع امام شهادت داد (همانجاها). در برخی منابع این نکته افزوده شده که در پایان مناظره راس‌الجالوت به حقانیت دین اسلام و بطلان جز آن شهادت داد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: همانجا).

ابن حیون/ قاضی نعمان داعی مشهور فاطمیان (د. ۳۶۳) در شرح *الانخبار فی فضائل الائمه الاطهار* (۱۴۰۹: ۳/ ۱۰۴-۱۰۵) مجلس گفتگوی معاویه، امام حسن و حسین علیهم السلام، مروان بن حکم و راس‌الجالوت را چنین روایت کرده: در این جلسه معاویه از فصاحت امام حسن شگفت‌زده شد و مروان گفت ایشان جوانی است که این سخنان را در عراق آموخته؛ امام حسین فرمود این علوم فضل خدای تعالی است بر ما و در ادامه از وجود شهر بلسا در شرق و بلقاء در غرب سخن گفت... راس‌الجالوت مثل بیشتر روایاتی از این دست داور نهایی جلسه بود که گفت همه سخنان حسن و حسین صحیح است و این دو شهر را هیچ کس در عالم نمی‌شناسد مگر پیامبران یا اوصیاء و فرزندان ایشان.

ابن سعد در *الطبقات الکبری* (۱۹۹۰: ۵/ ۸۴) روایت کرده است که در محضر عبدالملک بن مروان مجادله‌ای میان محمد بن حنفیه و حجاج بن یوسف ثقفی در گرفت. در این مجلس محمد بن حنفیه در مقام تحذیر حجاج احادیثی نقل کرد که ظاهراً بی‌سابقه بود و کس دیگری تا آن زمان نقل نکرده بود. برای درستی آزمایی سخنان وی، خلیفه راس‌الجالوت را احضار کرد و او شهادت داد که این سخنان تنها از "بیت نبوت" می‌تواند صادر شده باشد.

هم‌چنین کتاب *انخبار الدوله العباسیه* (۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۷۲) که در اصل برای مشروعیت بخشیدن به خلافت عباسی تنظیم شده، حاوی روایاتی است در طرفداری راس‌الجالوت از خاندان عباسی به عنوان اهل بیت و نزدیکان پیامبر اسلام. از جمله آمده است که روزی ابو جعفر (منصور) و ابوالعباس (سفاح) و پدرشان محمد بن علی و راس‌الجالوت در مجلس هشام بن عبدالملک اموی بودند؛ پس از اینکه هشام آن سه تن را به راس‌الجالوت معرفی

کرد و نسبت آنها را با پیامبر اسلام معلوم ساخت، راس الجالوت گفت: "پس ایشان بر جایگاه خلافت اولی هستند، یهودیان مرا که چهل پشت تا پیامبرم فاصله دارم رئیس خود می‌دانند و شما مسلمانان نزدیک‌ترین کسان به خاندان پیامبرتان را وانهاده‌اید؟" این سخنان خشم هشام را برانگیخت و به حاجب دستور داد او را از جلسه اخراج کنند. این روایت علاوه بر استفاده سیاسی عباسیان حاکی از این نکته هم می‌تواند باشد که ظاهراً هم یهودیان و هم عباسیان نخستین و گروه‌های دیگر شیعی، در مبحث مشروعیت امام و پیشوا بر قرابت نسبی با نبی تاکید داشتند و از این لحاظ شباهت‌هایی میان ساختار اندیشه کلامی و سیاسی این دو گروه وجود داشته‌است. بازتاب این اندیشه در برخی از منابع سنی و تاکید آنها بر این شباهت کلامی یهودی شیعی مبحثی جالب و قابل پژوهش است. برای نمونه این تیمیه تصریح می‌کند که همان‌گونه که یهودیان به ریاست فرزندان داوود معتقدند، شیعیان هم به فرزندان علی اعتقاد دارند (Steven, 1995: p.108). خلافت عباسی که از اساس مشروعیت بر قرابت نسبی با پیامبر استوار ساخته بود، از این وجه اشتراک سود می‌برد و همسویی یهودیان در تاکید بر نسب داود را به عنوان الگوی دینی متناظر در جامعه فرصت تبلیغی مفیدی برای تفهیم مشروعیت خود در میان عوام مردم تلقی می‌کرد. از این رو برخی از پژوهشگران (Mark Cohen, 2000: 85) معتقدند که این شباهت‌ها باعث شده بود که روند جامعه‌پذیری یهودیان در دوره عباسیان به مراتب سهل‌تر از دیگر گروه‌های ذمی مثل میسحیان پیش رود و دولت تعامل بهتری با این گروه داشته باشد. تنفیذ راس الجالوت از سوی خلیفه عباسی و عهدنامه‌ای که در روز جلوس راس الجالوت از سوی دربار تنظیم و قرائت می‌شد (ابن ساعی، ۱۹۳۴: ۲۶۶-۲۶۷، ۲۸۳) و روابط نزدیک و گسترده راس الجالوت با دربار حاکی از این جایگاه علمی-تشکیلاتی سازمان یافته ریاست یهودیان در جامعه اسلامی بود و نشان‌دهنده ساختار به‌کلی متفاوت تعامل این گروه با دولت عباسی در قیاس با دیگر گروه‌های ذمی بود.

در واقع عمده روایاتی که درباره راس الجالوت در منابع سده‌های نخستین اسلامی دیده می‌شود دو رویه همسو را هم‌زمان در خود پنهان دارد: نخست اینکه بیشتر موبد دیدگاه‌های شیعی است- اعم از شیعه اثنی عشری یا اسماعیلی و حتی داعیان عباسی و کیسانی- و دیگر اینکه اگر جنبه انتقادی دارد، مخاطب انتقاد، دولت اموی و خلفای پیشین منفوری است که عباسیان در آغاز در حد وسیعی قدرت خود را بر موج مخالفت‌های عمومی با آنها سوار کرده بودند. برای مثال حجم قابل توجهی از این دست روایات بر انتقاد از عملکرد



امویان در ستیز با حسین بن علی علیه السلام و واقعه شهادت ایشان و یارانشان تمرکز یافته است: برای نمونه ابن سعد (۱۹۹۰: ۶/ ۴۵۲)، دربارهٔ اموری که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نقل شده این خبر را آورده که رأس الجالوت مسلمانان را در قتل حسین علیه السلام سرزنش کرده است. هم‌چنین، پیشگویی واقعه کربلا نیز به رأس الجالوت/ ابن رأس الجالوت نسبت داده شده است (برای نمونه ← ابن سعد، ۱۹۹۰: ۶/ ۴۵۵؛ طبری، ۵/ ۳۹۳؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۵/ ۱۶). طبری (۵/ ۳۹۳؛ نیز نک: ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴/ ۹۰) روایت کرده است که رأس الجالوت از پدرش نقل می‌کرد که او هر گاه از مکان کربلا می‌گذشت به تاخت و با عجله از آن محل دور می‌شد چون در روایات یهودی آمده بود که در این مکان یکی از فرزندان انبیا کشته خواهد شد. او از بیم جان خود می‌گریخت تا زمانی که در سال ۶۰ شنید حسین بن علی نوه پیامبر اسلام در اینجا کشته شده و پس از آن دیگر در عبور از آنجا شتاب نمی‌کرد. هم‌چنین به نوشته ابن سعد (۱۹۹۰: ۱/ ۵۰۶؛ نیز نک: ذهبی، ۱۹۹۳: ۵/ ۱۶)، عبدالملک اموی از رأس الجالوت پرسید آیا در قتل حسین بن علی نشانه‌ای می‌توانی بازگویی؟ او پاسخ داد از آن زمان تا اکنون هر سنگی را که از زمین برداری، لایه‌ای از خون ذبیحه‌ای بی‌دلیل کشته شده را زیر آن خواهی یافت. ابن سعد (۱۹۹۰: ۱/ ۴۹۸) به سخن دیگری نیز از زبان رأس الجالوت اشاره کرده است که خطاب به مسلمانان آنها را در قتل حسین علیه السلام ملامت کرد و گفت: میان من و جدم داوود هفتاد پشت فاصله است، با این حال یهودیان به همین سبب مرا بزرگ می‌دارند و احترام می‌کنند؛ میان شما و پیامبرت‌ان یک پشت فاصله بود و نوه‌اش را کشتید! به نوشته ابن اثیر (۱۹۶۵: ۴/ ۹۰) پس از قتل حسین بن علی برخی شب‌ها نوایی در خیابان‌های مدینه شنیده می‌شد که قاتلان حسین را ابن داود (رأس الجالوت) و موسی و صاحب انجیل هم لعنت می‌فرستند. هم‌چنین مرجانی (سده هشتم) در کتاب بهجه النفوس و الاسرار فی تاریخ دارهجره النبی المختار (۱۴۲۵: ۲/ ۹۷۹-۹۸۰) نوشته است که رأس الجالوت به همراهی مصعب بن زبیر وارد قبرستان بقیع شد و گفت اینجا همان مکانی است که ذکر آن در تورات آمده و صورت هر یک از این اهل بیت و اصحاب مدفون در اینجا مثل ماه تمام می‌درخشد.

هم‌چنین مناظره رأس الجالوت با امام رضا علیه السلام در دربار مأمون عباسی (حک: ۱۹۸-۲۱۸) در منابع شیعی تحت عنوان حدیث رأس الجالوت و شرح‌های آن شهرت بسیار دارد (کلینی ۱۴۰۷: ۱/ ۸۹-۹۰؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۹۷۵: ۲/ ۴۲۲؛ ۱۳/ ۱۹۹؛ ۷۰/ ۳۴۰-۳۴۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۱۷-۴۳۱). گفته می‌شود در این مجلس علماء بزرگ ادیان

و فرق مختلف از زرتشتیان و صابئین و نصارا و ... حضور داشتند. امام رضا علیه السلام با تک تک آنها مناظره کرد و بر اساس دین و کتاب خودشان به پرسش‌هایشان پاسخ گفت تا نوبت به راس‌الجالوت یهود رسید. امام شمه‌ای از تاریخ یهود از مصائب بخت النصر تا تبعید ایشان به بابل و سپس محتوای آیاتی از تورات را عرضه فرمود که باعث شگفتی راس‌الجالوت شد. هم‌چنین در پاسخ پرسش راس‌الجالوت درباره اثبات نبوت پیامبر، شواهدی از تورات درباره پیامبری شترسواری از جبل فاران (کوههایی نزدیک مکه) قرائت فرمود. راس‌الجالوت در پایان در کمال شگفتی و حیرت از سخنان امام به اسلام گروید و شهادتین بر زبان آورد.

با توجه به محتوای حدیث و پایان مناظره که به اسلام آوردن راس‌الجالوت ختم شده، شروع مختلفی (حدود نه شرح) بر این حدیث نوشته شده است. قدیم‌ترین شرح را قاضی سعید قمی (متوفای ۱۱۰۴ق.) تحت عنوان *الفوائد الرضویه* (آقابزرگ تهرانی، ۱۹۷۵: ۱۶/۳۴۰-۳۴۱) نگاشته است. دیگر مشاهیر شیعه مثل عبد الصاحب نراقی (آقابزرگ تهرانی، ۱۹۷۵: ۱۳/۱۹۹؛ ۱۶، ۲۰۳) و امام خمینی هم بر این حدیث شرح نوشته‌اند. شروع کمتر مشهور دیگری هم بر حدیث راس‌الجالوت نگاشته شده از جمله کتاب *غنیمه الحجاز فی حل الالغاز* (آقابزرگ تهرانی، ۱۹۷۵: ۱۶، ۷۰) نوشته محمد بن حسن طوسی (متوفی ۱۲۵۷). محتوای این مناظره پرسش‌های اصلی راس‌الجالوت از امام رضا علیه السلام درباره مفهوم و ماهیت کفر و ایمان و بهشت و جهنم است.

علاوه بر این سه دسته روایت که به طور روشن تری بر موضوع پژوهش دلالت دارد، در برخی از منابع هم به نکاتی شاذ درباره شباهت‌های سنت شیعی یهودی و عقاید عوام مردم درباره این منصب یهودی اشاره شده است. یک روایت جالب را بیرونی در آثار الباقیه (۱۳۸۰: ۶۷) چنین آورده است که یک ویژگی مشترک عقاید عوام یهودی و شیعی این بوده که یهودیان معتقد بوده‌اند راس‌الجالوت از لحاظ فیزیک بدن به نحوی بود که هنگامی که می‌ایستاد نوک انگشتانش تا نزدیک زانویش می‌رسید (درباره این ویژگی جسمانی راس‌الجالوت، نیز نک: بلاذری، ۱۹۹۶: ۸/۹۳؛ ۹/۱۴۵) که این نشانه صدق وی و نسب درست او بود. به نوشته بیرونی عامه مردم معتقد بودند که همین ویژگی را علی بن ابی طالب و ذریه راستین او هم دارا هستند.

این سلسله روایات با ذهنیت‌های سه‌گانه یاد شده، حاکی از تداوم این ذهنیت فرهنگی و اجتماعی در جوامع شیعی و تداوم این روایت‌ها، خود، مولد سنتی روایی و فکری بود؛

ستی که نشان‌دهنده کارکرد بیان دینی در شکل‌دهی ارتباطات اجتماعی است. این سنت، به‌روشنی به عاملی تسهیل‌کننده در روند جامعه‌پذیری یهودیان در جامعه اسلامی تبدیل شده بود؛ مسأله‌ای که توجه به آن در بررسی چگونگی ابعاد فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی و تعامل مسلمانان با اقلیت‌های دینی به‌ویژه در سده‌های اولیه و میانه، راه‌گشای حل بسیاری از غوامض فرهنگی و اجتماعی است.

### ۳. نتیجه‌گیری

بر اساس مجموعه داده‌های منابع اسلامی درباره مقام راس‌الجالات می‌توان گفت مسلمانان، رئیس جامعه یهودیان ذمی (راس‌الجالات) را مقامی علمی مذهبی و عالی‌رتبه و در عین حال رازآمیز و مرتبط با قدرت‌های غیرمعمول مثل قدرت پیشگویی تلقی می‌کردند. تکرار روایاتی درباره پیش‌بینی شهادت حسین بن علی از سوی راس‌الجالات و ملامت مسلمانان در باب کشتن فرزند پیغمبرشان و یا گزارش مناظرات علمی امامان شیعه با مقام راس‌الجالات علاوه بر نشان دادن جایگاه مهم علمی و رازورانه آن، تا حدی نشان‌دهنده فضایی همدلانه با جامعه مسلمان شیعی-عباسی نیز بوده است. در واقع این دست روایات نشان‌دهنده ذهنیت مورخانی است که عمدتاً در دوره عباسی و در جهت کمک به تبیین مشروعیت آنها قلم زده‌اند؛ مشروعیتی که در آغاز بر برخی از مفاهیم شیعی از جمله قرابت نسبی با پیامبر و نیز مخالفت با خاندان اموی استوار شده بود. این فضای همدلانه باعث شده بود که روند جامعه‌پذیری یهودیان در دوره عباسیان به مراتب سهل‌تر از دیگر گروه‌های ذمی پیش رود و دولت تعامل بهتری با این گروه داشته باشد تا جایی که جایگاه ریاست جامعه یهودیان ذمی، به تدریج به مقامی تعریف‌شده و معین در تشکیلات درباری عباسیان تبدیل شد. این شیوه بیان دینی می‌توانست کارکردهای اجتماعی و فرهنگی برای هم‌سازی اجتماعی جوامع اقلیت و اکثریت داشته باشد؛ به‌خصوص که چنین شیوه بیانی در ادبیات متون دینی تا عصر حاضر هم‌چنان ادامه پیدا کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ... "کان بلا کینونه کان لم یزل بلا کم و بلا کیف کان لیس له قبل و لا غایه و لا منتهی غایه و لا غایه لیها انقطعت عنه الغایات فهو غایه کل غایه".
۲. ما کشف یومئذ حجر الا وجد تحته دم عبیط.

ایها القاتلون جهلا حسینا      ابشرو بالعذاب و التنکیل  
کل اهل السماء یدعو علیکم      من نبی و ملک و قبیل  
قد لعنتم علی لسان ابن داود      و موسی و صاحب الانجیل

### کتاب‌نامه

- ابن اثیر، ۱۳۸۵/۱۹۶۵، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۹۸، *التوحید*، چاپ هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
- ابن حیون، قاضی نعمان، ۱۴۰۹، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام*، چاپ محمد حسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فقیه، محمد بن اسحاق، ۱۴۱۶/۱۹۹۶، *البلدان*، چاپ یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب.
- ابن جوزی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲، *المنتظم*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، و مصطفی عبدالقادر، بیروت.
- ابن حزم، ۱۹۷۵، *جمهره انساب العرب*، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره، دارالمعارف.
- ابن ساعی، ۱۳۵۳/۱۹۳۴، *الجامع المختصر*، چاپ مصطفی جواد، بیروت.
- ابن سعد، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، *الطبقات الکبری*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب.
- ابن فوطی، ۱۹۹۷، *الحوادث الجامعه*، چاپ بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف، بیروت. دارصادر
- ابن کثیر، ۱۴۱۱/۱۹۹۰، *البدایة و النهایة*، بیروت. دارالفکر.
- اخبار الدوله العباسیه*، و فیها اخبار العباس و ولده، ۱۳۹۱، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، بیروت، دارالطلیعه.
- آقابزرگ طهرانی، ۱۹۷۵، *الذریعه*، بیروت، دارالاضواء.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ش، *المحاسن*، چاپ جلال الدین محدث ارموی، قم.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۲۷/۱۹۹۶، *انساب الاشراف*، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- بنیامین تطیلی، ۱۴۲۳/۲۰۰۲، *رحله بنیامین تطیلی*، ۵۶۹-۵۶۱ هـ / ۱۱۶۵-۱۱۷۳، ترجمه عزرا حداد، چاپ عبدالرحمن عبدالله شیخ، ابوظبی.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۸۰، *الاثار الباقیه عن القرون الخالیه*، تهران، میراث مکتوب.
- حبیب لوی، ۱۳۳۹ش، *تاریخ یهود ایران*، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم.
- دوری، عبدالعزیز، ۲۰۰۷، *اوراق فی التاریخ و الحضاره*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.

## نگار ذیلابی ۱۰۹

ذهبی، ۱۹۹۳/۱۴۱۳، *تاریخ الاسلام، حوادث و وفیات ۶۰-۱۱ هـ* چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربیه.

ذیلابی، نگار، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، "تشکیلات نهاد راس الجالوت در شرق اسلامی"، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۸.

طبری، ۱۹۶۷، *تاریخ*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، بی نا.

عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر*، چاپ سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطعه العلمیه.

قزوینی، ۱۹۹۸، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت، دارصادر.

کتاب مقدس، ترجمه قدیم.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *کافی*، چاپ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، ۱۳۸۳/۱۴۲۵، *بهجه النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجره النبی المختار*، ریاض، بی نا.

مسعودی، التنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی.

مقریزی، ۲۰۰۲، *خطط*، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامیه.

Cohen, Mark R., 2000, "Sociability and the Concept of Galut in Jewish-Muslim Relations in the Middle Ages", in *Judaism and Islam, Boundaries, Communications, and interaction*, ed. Benjamin H. Hary and others, Leiden, Brill.

*Encyclopedia of Jews in the Islamic World*, 2010, ed. Norman A. Stillman, Leiden- Boston, sv. "Exilarch and Exilarchate" (by Arnold Franklin).

*Judaica*, 1971, s.vv. "Exilarch. Until the Arab Conquest" (by Ja. N); "Exilarch, During the Arab Period", (by: El. B.)

Steven, M., 1995, *Between Muslim and Jew: the Problem of Symbiosis under Early Islam*, Princeton university Press.

*The Jewish Encyclopedia*, 1901- 1906, ed. Isidore Singer, New York, s.v. "Exilarch" (by W. Bacher)